



سیری در

سیره‌ی زیبای امام مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف

جزوه
آموزشی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تهیه و تنظیم

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام اصفهان

قال المهدی علیه السلام:

«ولا تمیلوا عن الیمین و تعدلوا الی الیسار و اجعلوا
قصدکم الینا بالمودة علی السنّة الواضحة»

از راه راست به راه چپ منحرف نشوید و با مودت و دوستی
نسبت به ما حرکت مستقیم خود را بر آیینی روشن استوار سازید.

بحار الانوار ۱۹۱/۵۳، کمال الدین ۵۱۰/۲

سیری در

سیره‌ی زیبای امام مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تحقیق و پژوهش درباره‌ی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی سیره‌ی فردی و اجتماعی آن عدل منتظر و امام ثانی عشر می‌باشد. گرچه در این زمینه کارهایی صورت گرفته است لکن این بحر موج و دریای عمیق آن‌چنان با برکت و پرموهبت است که هر بار که انسان غواص وار در این اقیانوس غوطه‌ور می‌شود با دست و دامن پر برمی‌گردد گرچه این کار بارها و بارها تکرار شود، چرا که بحث از سیره‌ی انسان کامل است که تجلی اسماء و صفات لایتناهی حضرت حق جل و علا می‌باشد و لذا بحث در این زمینه بی‌نهایت عمیق و گسترده و پرمغز می‌باشد و نیاز به تلاش مجدانه و کوشش مخلصانه و توسل شبانه دارد.

آری باید علما و دانشمندان و متفکرین و محققین دست به کار شده وارد این میدان بشوند و قطره‌ای بر این قطره‌ها بیفزایند تا نهر زلال و جاری معرفت تشکیل شود و از تمامی مرزها و پستی‌ها و بلندی‌ها بگذرد و همه جای این کسره‌ی خاکی را درنوردد و تشنگان حقیقت و انسانیت و عدالت را در سراسر جهان سیراب کند و با طراوتی که به جان‌ها می‌بخشد آن‌ها را از خواب غفلت بیدار نماید و به سوی طنب و

درخواست ظهور خورشید عالمتاب از پشت ابرهای غیبت فراخواند تا او بیاید و بتابد و روشن نماید مسیر حرکت بشریت را و مدت‌ها در کنار قافله‌ی انسان‌ها بماند و آن‌ها را به سرمنزل مقصود راهنمایی کند که بی او و بی نور هدایت او همه هیچ است و کوچه‌های پیچ در پیچ که جز ضلالت به جایی نبرد و جز از وادی هلاکت سربرنیاورد که فرمود: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساروق لانکارنا»^۱

پس این بحث اگر صحیح ارایه شود و بتواند سیره‌ی راستین امام عصر را همچنان که زیباست به زیبایی به تصویر کشد و به جهانیان معرفی نماید می‌تواند زمینه‌ساز ظهور آن منجی بزرگ و یگانه باشد و از اینجا جایگاه والا و اهمیت بسزای این بحث در میان بحث‌های دیگر مشخص می‌شود.

تعریف سیره:

استاد مطهری در کتاب سیره‌ی نبوی صفحه‌ی ۴۷ و ۴۸ می‌فرماید:

«سیره در زبان عربی از ماده‌ی سیر است، سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، سیره یعنی نوع راه رفتن، سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی دلالت می‌کند بر نوع. مثلاً جلسه یعنی نشستن و جلسه یعنی سبک و نوع نشستن و این نکته‌ی دقیقی است. سیر یعنی رفتن و رفتار ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار»

در بحث ما، مراد از سیره، عبارت است از:

«شیوه، سبک و روش رفتاری فردی و اجتماعی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی

فرجه الشریف»

به بیان دیگر: سیره‌ی فردی یعنی شیوه‌ی رفتاری حضرت در زندگی فردی و

خصوصی و از این حیث که ایشان فردی از افراد بشر هستند. (سیره‌ی اخلاقی)

^۱ صحیفه‌المهدی، جواد قیومی اصفهانی، ص ۳۳۴، ح ۱۰.

و سیره‌ی اجتماعی یعنی شیوه‌ی حکومت و مدیریت حضرت و نوع تعاملاتی که ایشان با سایر انسان‌ها دارند از این حیث که حجت خدا و امام و قائد ایشان و رئیس حکومت می‌باشند.

انگیزه‌ی طرح بحث:

با توجه به این که امام عصر علیه‌السلام دو ویژگی مهم دارد که خاص ایشان بوده و در ائمه‌ی سابق علیهم‌صلوات‌الله‌اجمعین وجود نداشته:

۱- غیبت طولانی

۲- مأموریت برای تشکیل حکومت عدل جهانی

و لذا با توجه به این دو ویژگی این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که آیا غیبت طولانی چه تأثیری در سیره‌ی حضرت دارد؟ آیا اصولاً سیره‌ی امام غایب همانند سیره‌ی امام ظاهر است؟ و تشکیل حکومت فراگیر چه سیره‌ای را از ایشان می‌طلبد و چه اقتضایی دارد؟ آیا ایشان فرمانده‌ای خشن و خونریزند و با بریدن گردن‌ها و قطع سرها و ریختن خون‌ها کارشان را پیش می‌برند و یا با مهر و عطف و عدل و عدالت و...؟ یافتن جواب مناسب برای سؤالات فوق و سؤالات دیگری که در این رابطه مطرح می‌شود مقتضی بررسی دقیق و تخصصی سیره‌ی امام دوازدهم می‌باشد. مضاف بر این که حس کنجکاوی انسان او را به سوی این نکته سوق می‌دهد که روایات خاصی که در این رابطه وارد شده است چه سیره‌ای را برای حضرت بیان می‌کند؟

نویافته بحث از سیره‌ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

نوع برخورد و تکامل انسان با افراد و اشیایی که با آنها سروکار دارد در گرو نوع شناخت و آگاهی او از آنها می‌باشد به عبارت دیگر شناخت صحیح موجب برخورد و

ارتباط صحیح می‌شود و شناخت غلط تعاملات ناصحیح را در پی خواهد داشت. اگر می‌بینیم مرد شامی می‌آید مدینه و در اولین برخورد، امام حسن علیه‌السلام را سبّ می‌کند بر اساس شناخت غلط و ناصحیحی است که معاویه (علیه‌الهاویه) به او و دیگر شامی‌ها داده است و لذا آن‌گاه که شناخت وی در سایه‌ی حلم و بردباری امام علیه‌السلام تصحیح می‌شود، با ریختن اشک ندامت از امام عذرخواهی کرده و می‌گوید: «الله اعلم حیث یجعل رسالته»^۱

در مورد امام آخرین نیز اگر به افراد شناخت صحیح داده شود از آن‌ها منتظرانی مشتاق و بی‌قرار خواهد ساخت و درخت انتظار بر بار خواهد نشست لکن ارباب‌های شناخت و تصویر ناصحیح از سیره‌ی حضرت صاحب‌الامر نه تنها ریشه‌های انتظار را می‌خشکاند بلکه در دل افراد ایجاد تنفر و بیزاری نسبت به آن امام مهربان خواهد نمود.

با بحث صحیح و کارشناسانه در مورد سیره‌ی امام عصر علیه‌السلام به اهداف زیر می‌توان دست یافت:

۱. شناخت و تصور صحیح از امام دوازدهم که مقدمه ایجاد ارتباط صحیح با ایشان می‌باشد:

همواره اولین قدم برای طلب و حرکت شناخت و معرفت است یعنی اول انسان چیزی را می‌شناسد و به وجود کمال در او پی می‌برد، سپس به طلب آن چیز به پا خاسته و به سوی آن حرکت می‌کند، اگر می‌خواهیم مردم را با امام خویش ارتباط ساخته و فاصله فی مابین را کم کنیم ناگزیر از این هستیم که ایشان را به نحو صحیح به مردم سراسر دنیا بشناسانیم.

۲. تصحیح اعتقادات و باورهای غلط دیگران نسبت به امام عصر علیه‌السلام و

جلوگیری از پیامدهای منفی آن: متأسفانه بعضی از افراد بدلیل معرفت و تصور ناصحیح نسبت به امام عصر علیه السلام در ایجاد ارتباط با آن امام دچار مشکل هستند در بعضی از تحقیقات آنگاه که از جوان سوال شده است آیا شما دوست دارید امام عصر ظهور کند؟ جواب داده است: خیر بدلیل اینکه اگر بیاید ممکن است من یا خویشان مرا از قبیل پدر، مادر، عمه و ... سر ببرد بنابراین نیامدنش بهتر است بدیهی است که اینگونه برخوردها و طرز تفکرها در اثر شناختن صحیح آن امام رثوف بوجود آمده است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «مهدی دالتین، بدبالتین و پرهیزکارترین مردمان است او از همه السالها بمشاده تر شجاع تر و عابدتر است»^۱

۳. ارائه الگوی صحیح در تمام زمینه های فردی و اجتماعی و حکومتی و مدیریتی و...

قرآن کریم از همان ابتدا برای مسلمین الگو سازی می کند و می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان الگوی نمونه و احسن به مردم معرفی می نماید. از نظر روانشناسی انسان همواره نیاز به الگو و اسوه دارد، اگر بهترین و کاملترین دستوارت فردی و اجتماعی را برای انسان بیاورند ولی الگوی عملی نباشد شاید بیش از ۹۰٪ کار انجام نمی شود بلکه طبیعت انسان اقتضا می کند در مسیری که می خواهد حرکت اطمینان به اینکه این راه انسان را به منزل می رساند باید داشته باشد و لذا باید حتماً کسی باشد که به منزل رسیده باشد تا بتواند به او اتکاء و تاسی نماید.

در زمینه مهدویت و شناخت سیره فردی و اجتماعی بهترین الگوهای فردی و اجتماعی برای افراد و حکومت اسلامی موجود می باشد که باید کشف و بکار گرفته شود.

^۱ بیایع الموده، ص ۴۱، به نقل از حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۸۲

۴. معرفی صحیح امام عصر علیه السلام و بالابردن شوق و اشتیاق مردم برای طلب و ظهور ایشان « اگر مردم از سیره زیبای امام خویش آگاه شوند و به زیباییهای اخلاقی و رفتاری و رافت و حلم و علم و قدرت و پاکی و تقوی بالای ایشان پی ببرند، اگر به این نکته واقف شوند که ایشان یوسف واقعی می باشد که تمام محاسن ظاهری و باطنی را یکجا در خویش جمع کرده است، اگر بدانند که امام ایشان از مادر مهربانتر و از برادر تنی با وفاتر و از همه عالم و آدم با صفاتر است و اگر بفهمند که منش و خوی او همان خو و منش علی مرتضی علیه السلام و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است آیا کسی می ماند که عاشق این همه زیبایی و کمال و عظمت و جلال نشود و شیفته روی زیبای او نگردد. به طور قطع اگر چنین شناختی صورت گیرد مردم یکجا و یکصدا فریاد خواهند زد که «أین بقیه الله التي لا تخلص من العترة الهادية» و شکوه دائمی دلشان متی ترانا و نراک خواهد بود و دعای هر صبح و شام ایشان «اللهم عجل فی فرج مولانا صاحب الزمان»

۵. جلوگیری از سوء استفاده (سیاسی با برعکس جلوه دادن چهره واقعی

حضرت:

متأسفانه جنایتکاران و زورگویان جهان بارها و بارها در جهت تخریب چهره زیبای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به قصد ایجاد فاصله بین امام و مامومین کوشیده اند آری آنان کوشیدند از امام رافت و رحمت، پادشاه وحشت بسازند و از عدل و حکم و کتاب و سنت، شمشیر و خون و جنایت، شاید بهترین راه برای مبارزه با این شیطنتها و خرابکاریها واکسینه کردن معتقدین به آن حضرت می باشد که این کار تنها با دادن شناخت و معرفت صحیح از سیره و روش فردی و اجتماعی امام عصر امکان پذیر خواهد بود.

۶. گسترش فرهنگ مهدویت و تشیع در سطح جهانی

امام رضا علیه السلام می فرماید :

« خداوند رحمت کند بنده ای را که امر ما را امیا کند . (اوی پرسید : چگونه امر شما را امیا کند ؟ حضرت فرمودند : علوم ما را یاد گیرد و به مردم بیاموزد زیرا مردم اگر زیباییهای کلام ما را بشناسند هر آینه از ما تبعیت فواهد نمود . »^۱

در روایت دیگر امام باقر علیه السلام فرمودند :

« با مردم مفاصمه و دشمنی نکنید همانا مردم اگر می توانستند ما را دوست بدارند هر آینه دوست می داشتند . »^۲

توضیح اینکه لفظ ناس در تعبیرات قرآن و روایات شامل عموم مردم می باشد و برای شیعیان از لفظ مومن و مؤمنین استفاده می شود بنابراین هر شیعه ای که بخواهد احیاگر امر ائمه خویش باشد باید محاسن ایشان را برای عموم انسانها بازگو نماید و نکته دیگر اینکه اگر می بینیم بسیاری از انسانها با ائمه زمین ارتباط قلبی و پیوند عاطفی ندارند مشکل از جانب امامان نیست بلکه ایشان فی نفسه دوست داشتنی هستند بلکه مشکل از جانب مردم است و لذا امام باقر علیه السلام فرمودند : اگر می توانستند دوست بدارند دوست می داشتند .

مسئله دیگری از دلایل عدم استطاعت ایشان از دوست داشتن امام عدم شناخت و معرفت صحیح امام می باشد . آری اگر سیره و فرهنگ امام مهدی برای جهانیان به نحو صحیح مطرح گردد بسیاری از افراد محب و بلکه عاشق این یوسف زیبا خواهند شد.

۷. تشخیص مهدی های دروغین با شناخت صحیح مهدوی واقعی.

یکی از آسیب های مهدویت و انتظار که ناشی از غیبت و عدم ظهور امام و حضور محسوس ایشان می باشد و در طول تاریخ هم چندین بار تکرار شده است

^۱ وسائل الشیعه

^۲ همان ، ج ۱۶ ، ص ۱۹۱

ادعاهای واهی عده‌ای به عنوان امام و حجت خدا و یا نایب امام می‌باشد. که در بعضی موارد متأسفانه با پشتیبانی استعمارگران و با سوء استفاده از جهالت و سادگی مردم حتی منجر به تاسیس فرقه‌های جدید و باطل شده است از قبیل فرقه بهائیت و بابیت و...

از طرف دیگر احتمال تکرار چنین برنامه‌هایی همواره وجود دارد کما اینکه ما اکنون هم امام زمانهای دروغین داریم که در زندان به سر می‌برند. یکی از برکات سیره‌شناسی و شناخت دقیق شیوه‌سیر و سلوک حضرت این است که انسان صاحب فرقان و به عبارت دیگر دارای ملاک برای تشخیص حق از باطل و شناسایی مهدی‌های دروغین می‌شود.

۸ شناخت خواستها و توقعات حضرت از شیعیان در دو عصر غیبت و ظهور در سایه‌آشنایی با سیره حضرت به دو منظور: ۱ - وظیفه‌شناسی و عمل به آن به نحو احسن

۲ - زمینه‌سازی برای ظهور و کسب آمادگی برای یاری ایشان و ساختن جامعه عدل پس از ظهور
امام عصر علیه السلام در توقیعی فرمودند:

«ولا تمیلوا عن الیمین و تعدلوا الی الیسار واجعلو قصدکم الینا بالموده و علی السنه الواضحه؛ از راه راست به راه چپ منحرف نشوید و با مودت و دوستی نسبت به ما حرکت مستقیم خود را بر سلت واضح استوار سازید.»^۱

پس برای اینکه این راه مستقیم و سنت واضح را بشناسیم چاره‌ای جز شناخت صحیح و دقیق سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نداریم.
تذکر چند نکته:

نکته اول اینکه در بررسی سیره حضرت تقسیمات دیگری نیز موجود می باشد لکن ، ما سیره ایشان را به دو قسمت کلی سیره فردی و سیره حکومتی تقسیم نموده ایم که در اینجا به بحث از سیره فردی خواهیم پرداخت

نکته دوم اینکه در بحث از سیره حضرت مهدی دو کار می توان انجام داد :

- ۱ - استفاده از روایاتی که خاص ایشان و در باب مهدویت وارد شده است
- ۲ - استفاده از آیات و روایاتی که ناظر به سیره پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم صلوات الله می باشد چرا که سیره ایشان جدای از سیره اجداد بزرگوار خویش نیست. در این مقاله ما غالباً از شیوه اول استفاده نموده ایم و شیوه دوم خود دفتر مفصلی را می طلبد و برای کسانی که مایل اند در این زمینه فعالیت کنند می تواند یک موضوع تحقیق باشد .

و نکته سوم اینکه سیره فردی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر

زمانی مطلق بوده و هر دو زمان غیبت و ظهور را شامل می شود .

بخش اول

سیره فردی (اخلاقی) حضرت مهدی مسیح الله تعالی فرجه الشریف

سیره فردی حضرت را با توجه به ویژگیهای اخلاقی آن بزرگوار می توان بدست آورد که برخی از آنها به شرح ذیل می باشد.

۱. تقوی ، پاکی ، عدالت و وارستگی

الف - پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در توصیف امام قائم فرمودند :

« خداوند متعال در صلب امام مسن عسکری علیه السلام نطفه مبارک و پاک و طیب و طاهر و مطهر قرار داده است که هر مومنی که اهل ولایت باشد به ایشان مشلود فواهد شد و هر منکری به او کفر فواهد ورزید پس او امامی پاک و پرهیزکار و بلند مرتبه و مورد پسند و هدایتگر و هدایت شده است که به عدل حکم می کند و به آن امر می نماید»^۱

ب - باز ایشان در توصیف امام عصر فرمودند:

^۱عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۱

« او نسبت به خدا بسیار امتیاز کار است (و پرهیزکار) به فویشاوندی خود (یا رسول خدا) مغرور نیست و سنگی را بر سنگی قرار نمی دهد (بدون اذن خدا) و کسی را در ولایت فویش با شلاق نمی زند مگر در هاری کردن هد»^۱

ج - و نیز فرمودند :

« زمانی که خدا برمی انگیزد از پاکترین افراد عتق من و نیکوترین ذریه من عدل مبارکی و پاکسی را که ذره ای پیمان شکن و عذر در او نیست »^۲

د - در زیارت آل یس می فرماید :

« اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و او جبت حقهم و اذهب عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا »

در این فراز امام مهدی را جزو ائمه طاهرینی می داند که آیه تطهیر که بهترین دلیل بر عصمت کلیه ایشان می باشد - در شان ایشان نازل شده است .

ه - حکیمه خاتون علیها السلام که هنگام تولد امام عصر حضور داشته می گوید:

هنگامی که پرده کنار رفت و من با نرجس مواجه شدم اثری از نور او را فرا گرفته بود که چشمانم را خیره کرد در آن هنگام ناگهان طیفی را دیدم که در حال سجده بود بعد روی زانوهای نشست و انگشت سبابه خویش را به سوی آسمان بالا برد در حالیکه می فرمود :

« اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان جدی رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و ان ابی امیر المومنین ؛ سپس یک یک امامان را شمرد تا به فویش رسید سپس فرمود : فدایا وعده ای که به من داده ای منجز کن و امر مرا تمام نما و قدم مرا

^۱ مجمع احادیث الامام المهدی ، ج ۱ ، ص ۱۷۴ ، ذیل حدیث ۹۸

^۲ همان ، ج ۱ ، ص ۱۷۴

استوار گردان و زمین را بوسیله من پر از عدل و قسط نما»^۱

۲. سکینه و وقار

یکی از ویژگیهای اولیاء الهی آرامش دل و طمانینه در رفتار است ایشان چون در سایه یقین به خدا با آرامش کامل دست یافته اند لذا هیچ گونه اثر تعجیل یا کومه فکری در اعمال و رفتار ایشان دیده نمی شود بلکه همواره از شکوه و هیبت خاصی که توأم با تواضع و نوارنیت است برخوردارند .

۱-۲- حارث ابن مغیره از امام صادق علیه السلام می پرسد :

به چه چیزی می توان امام مهدی (ا شمامت ؟

حضرت فرمودند : با سکینه و وقار (با آرامش و طمانینه)^۲

۲-۲- ابی جارود گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم : اگر امام قائمی از دنیا

برود امام بعد از وی به چه چیزی شناخته می شود ؟

حضرت فرمودند : به هدایت و اطراق و اینکه آل محمد اقرار به فضیلت او

دارند^۳

توضیح اینکه اطراق به سکوت و وقار تعبیر شده است و نیز سکوت و

سربزیری .^۴

۳. عبادت و نورانی نیت

مهدی فرزند کسانی است که خدا را همواره به بهترین و کاملترین وجه شناختند

و عبادت کردند آری اجداد طاهرین او از شدت عبادت و نماز پاهای ورم کرده

^۱کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۲۸

^۲الفیبت ، نعمانی (تحقیق فارس حسون) ص ۲۴۹

^۳نعمانی ، ص ۲۴۹

^۴لسان العرب ، ج ۱۰ ، ص ۲۱۹

داشتند و چشمان رمق کشیده . در زیارت آل یس می خوانیم :

«سلام بر تو هنگامی که نماز و قنوت بها می آوری سلام بر تو آنگاه که رکوع و سجود انجام می دهی سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می کنی سلام بر تو زمانی که تهلیل و تکبیر می گویی ...»^۱

۳-۱- امام رضا علیه السلام درباره ایشان فرمودند :

« او از همه انسانها عابدتر است ...»^۲

۳-۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند :

« مهدی در برابر خدا شایع است مانند شیوع پرندۀ زمانی که بال خویش را می

گسترده ...»^۳

۳-۳- امام علی علیه السلام درباره ایشان فرمودند :

« ... او عبادت می کند خدا را آنچنان که شایسته است ...»^۴

۳-۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند :

«پدر و مادر و فدای همنام و شبیه خودم و شبیه موسی بن عمران بر او ردهایی از نور

است که از شعاع قدس سرچشمه می گیرد و می درخشند .»^۵

۴. زهد:

امام صادق علیه السلام درباره زهد می فرمایند :

«جعل الخیر کله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا ؛ یعنی همه خوبیها در

^۱ بحار ۵۳ ، ص ۱۷۱ باب ۳۱

^۲ بیایع الموده ، ص ۴۰۱ ، به نقل از حکومت جهانی حضرت مهدی ، ص ۸۲

^۳ معجم احادیث الامام المهدی ، ج ۱ ، ص ۲۱۱ ، ح ۱۲۱

^۴ منتخب الاثر ، ص ۴۶۹ ، به نقل از درسنامه غیبت صغری ، ص ۲۵۸

^۵ بحار ، ج ۲۶ ، ص ۳۲۷

^۶ کافی ، ج ۲ ، ص ۱۲۸

خانه‌ای قرار گرفته و کلید آن زهد در دنیا است»

و او که همه خوبیها را دارد و به قول معروف هر چه خوبان همه دارند او تنها دارد در زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا همانند اجداد مطهر خویش علیهم صلوات الله گوی سبقت را از همگان ربوده است این مساله در روایات این باب نیز وارد شده است.

۴-۱- قال الصادق علیه السلام:

«... فخير لباس كل زمان لباس اهل غير ان قائمنا اهل البيت اذا قام لبس ثياب علي

و سار بسيره علي عليه السلام»^۱

فرمود: اهل هر دوره ای بهترین لباس آن دوران را می پوشند هر اینکه قائم ما اهل

بيت عليه السلام هنگامی که قیام کند چون علی لباس می پوشد و به سیره او رفتار می کند.

آری جد بزرگوار او امیر المومنین علی علیه السلام از دنیا به قرصی نان جو و اندکی آب و نمک و کفش و لباسی پینه دار بستند کرد و فرزند او مهدی در زهد و بی رغبتی به دنیا به جد بزرگوار خویش اقتدا خواهد نمود.

۴-۲- قال الصادق علیه السلام:

«ما تستعجلون يخرج القائم فوالله ما لباسه الا الغليظ و لا طعامه الا

الجشب و...؛^۲ چگونه در خروج قائم عجله می کنید پس به خدا قسم لباس او نمی باشد

مگر لباس زبر و فشن و غذای او نمی باشد مگر غذای فشنک و سفت»

۵. جود و بخشش

یکی از صفات زیبای ائمه ما همواره سخاوت و جود و بخشش بوده است در

^۱ کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، بحار، ج ۱، ص ۱۵۹

^۲ بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۳، حدیث ۱۱۵

مورد حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می نویسند به سویش اعرابی را راهنمایی کردند او وارد مسجد شد و با زبان شعر تقاضای خویش را مطرح کرد امام وارد منزل شده و به قنبر فرمودند آیا از حال حجاز چیزی نزد ما باقیمانده است گفت: آری چهار هزار دینار.

حضرت همه آن مال را برداشت و در لباس خود پیچید و از شکاف در آن را به اعرابی داد و خود از پشت در خارج نشد تا مبادا آن اعرابی حجلت زده شود و با زبان شعر از آن اعرابی عذرخواهی کرد که بیش از این نزد ما نیست. در این هنگام آن اعرابی گریه افتاد حضرت فرمودند آیا مالی که به تو دادیم کمتر از احتیاج توست آن اعرابی عرض کرد خیر حیف این دست سخاوتمند که زمانی زیر خاک رود.

و او که فرزند حسین است و از خانواده کرم چگونه سخاوتی دارد!؟

۱-۵ رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند:

«یکون فی آخر الزمان - علی تظاهر العمر و انقطاع من الزمان - امام یکون اعطی

الناس ...^۱ یعنی در آخر الزمان امامی می آید که بفشنده ترین مردمان است.»

۲-۵ باز در جای دیگر فرمودند: «... و یفیض المال فیضا ...» «یفیض ای

یسیل» یعنی مال را بسیار زیاد می بخشند.^۲

۳-۵ قال رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم:

«علامه المهدی ان یکون شدیداً علی العمال جواداً بالمال رحیماً بالمساکین؛ نشانه

مهدی این است که بر کارگزاران خویش سفت گیر است بسیار بفشنده است و نسبت به

بیلهایان رحیم و مهربان است.»^۳

^۱ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۹۴، ح ۹۴

^۲ همان ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۴۹

^۳ همان ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۵۲، و ۱۳۱

۴-۵- باز در جای دیگر فرمودند :

«یخرج رجل من اهل بیتی عند انقطاع الزمن الزمان و ظهور من الفتن یكون عطائهم و حثیاً» ؛ پس از گذشت مدتی از امان و ظهور بعضی فتنه‌ها مردی از اهل بیت من هزوح می‌کند که عطای او بسیار زیاد است (بفشیدن اموال برای او مانند ریختن خاک می‌باشد) ^۱

توضیح اینکه در روایات لغت حثیاً آمده است که به معنای پاشیدن خاک است یعنی بخشش توسط ایشان امری بسیار راحت و آسان است مانند پاشیدن خاک کما اینکه در روایت دیگر از لغت هنیئاً استفاده شده که در کتب لغت به معنای آسان و دلپذیر و کاری که مشقت نداشته باشد آمده است یعنی عطای او خیلی سهل و آسان است و برای آنهایی که از او می‌گیرند بسیار دلپذیر و گوارا می‌باشد .

۵-۵- عن ابی سعید الحدری قال : قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم :

«یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل یقال له المهدی عطاوه هنیئاً پس از گذشت مدت زمانی و ظهور برخی فتنه‌ها مردی خواهد بود که به او مهدی می‌گویند و عطا و بخشش او بسیار آسان و دلپذیر است .»

۶. علم و حکمت

در دعای شریف ندبه خطاب به او می‌گوئیم : « یابن العلوم الکامله یابن السنن المشهوره » یعنی ای فرزند و زاده علوم کامل و ستهای مشهور آری او در خانواده‌ای رشد کرده که علم و دانش کوچکترین آنها همواره از بزرگترین و کهنسالترین دانشمندان افزونتر و عمیق تر و وسیعتر بوده است مگر نه این است که ودایع و علوم و حکمت‌های الهی در نزد ایشان به امانت گذاشته شده است

مگر نه این است که علم امام یعنی علم خدا و حکمت او یعنی حکمت خدا و این نیست جز فضل و حکمت خدا بر این خاندان پاک و انوار مقدس

۱-۶- عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال :

«ان العلم بکتاب الله عزوجل و سنه نبیه صلی الله علیه و اله و سلم ینبت فی قلب مهدینا کما ینبت الزرع عن احسن نباته فمن بقى منکم حتی یلقاه حین یراه : السلام علیکم یا اهل بیت الرحمه و النبوه و معدن العلم و موضع الرساله . همانا علم به کتاب فدای عزوجل و سنت پیامبرش صلی الله علیه و اله و سلم در قلب مهدی ما می روید آنچنانکه گیاه در بهترین صورت و جایگاه می روید پس هر کدام از شما که باقی ماند تا او را از زیارت کلد پس هنگامی که او را زیارت کرد بگوید :

سلام بر شما ای اهل بیت رحمت و نبوت و ای معدن علم و جایگاه رسالت»^۱

آری او وارث علم خدا است همچنانکه امام باقر علیه السلام فرمودند :

۲-۶- : «یکون هذا الامر فی اصغرنا سناً و اجملنا ذکراً و یورثه الله علماً و لا یکله

الی نفسه ؛ امر قیام و تشکیل حکومت عدل در کسی قرار گرفته که سن او از همه ائمه کمتر می باشد و نام او زیباتر در مالیکه فدا علم زیادی را به او داده است و او را به فویش واگذار نموده است . »^۲

و اما وسعت علم و واگاهی حضرت صاحب الامر آن قدر زیاد است که

تمامی پستی ها و بلندی های زمین و را مثل کف دست می شناسد و به آن آگاه است

کما قال الصادق علیه السلام فی حدیث نقله ابو بصیر :

۳-۶- «اذا تناهت الامور الی صاحب هذا الامر رفع الله تبارک و تعالی له کل

منخفض من الارض و خفض له کل مرتفع حتی تکون الدنیا عنده بمنزله راحته نایتکم لو

^۱ بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸ و نیز ۳۶/۵۱ ج ۶

^۲ عقد الدر فی احوال المنتظر، ص ۶۹

كانت في راحته شعره لم يبصرها ؛^۱ وقتی امور به حضرت صاحب الامر ملتهی شود خدا پستی را مرتفع و بلندی ها را برای او پست می سازد بگونه‌ای که تمام دنیا بمنزله کف دست اوست پس کدامیک از شما مویی در کف دستش می باشد و از آن آگاه نیست ؟
از این روایت بدست می آید که در سراسر کره زمین سر سوزنی از امام عصر پنهان و پوشیده نیست . او به تمامی کتب آسمانی آگاهی کامل دارد .

۶-۴- رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في وصف القائم :

«يحكم بين اهل التوراه بتوراتهم و بين اهل الانجيل بانجيلهم و بين اهل القران

بقرآنهم»^۲

۶-۵- ابو جعفر عليه السلام في حديث :

« ... و لا يسأل عن شيء بين صديفيها الا اجاب »

امام باقر عليه السلام فرمودند : از هر چه بین مشرق و مغرب است از او سوال شود جواب

می دهد»^۳

نکته آخر در مورد علم حضرت مهدی اینکه هر چه علم و فرهنگ گسترش یابد نسبت تمامی علومى که بشر تا آن روز بدست آورده با آنچه او آشکار خواهد ساخت دو به بیست و هفت است (۲/۲۷) و بقیه علوم در زمان ایشان بدست بشر خواهد رسید .

۶-۶ : ابان عن ابى عبدالله عليه السلام قال :

« العلم سبعة و عشرون صرفاً فجميع ما جاءت به الرسل صرفان فلم يعرف الناس

حتى اليوم غير المعروفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسه و العشرين حرفاً فيما و ضم اليها

^۱ بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۶

^۲ معجم احاديث الامام المهدي، ج ۱، حديث ۲۲۵ و ح ۲۶۱

^۳ نعمانی (تحقیق افرسی حشون) ص ۲۵۰

الحرفین حتی یثها سبعة و عشرين حرفاً»^۱؛ علم بیست و هفت حرف است پس همه آلهیزی که پیامبران آورده اند دو حرف است پس مردم تا امروز تنها دو حرف از این علوم را شناخته اند پس هر گاه قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را خارج کرده و گسترش می‌دهد و دو حرف دیگر را نیز به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف شود. « و در یک کلام او وارث علم انبیاء و مرسلین و گنجینه علوم الهیه است همچنانکه در زیارت مخصوص ایشان می‌خوانیم «السلام علیک یا وارث علم المرسلین ... السلام علیک ای وارث کنز العلوم الالهیه ...»^۲

۷. رحمت و شفقت

امام باقر علیه السلام فرمودند :

۱-۷ « .. فلیقل حین یراه السلام علیکم یا اهل بیت الرحمة و النبوه ... پس هر یک

از شما چون قائم را دید بگوید سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت^۳ »

۲-۷ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

«علامة المهدي ان يكون شديداً على العمال رحيماً بالمساكين»^۴

در این روایت یکی از نشانه های امام مهدی علیه السلام رحمت و شفقت ایشان به مساکین بیان شده است و این رحمت و شفقت تا جایی است که ایشان با دستان خویش لقمه در دهان مساکین و فقرا قرار می‌دهد.

۳-۷ قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «المهدي كأنما يلعق المساكين الزيد»

« امام مهدی گویا او با دستان خود لقمه در دهان مساکین می‌گذارد. »^۱

^۱ بحار، ۵۲/ص ۲۳۶، ج ۷۳

^۲ بحار، ج ۹۹، ص ۹۸

^۳ بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸

^۴ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۴۶، ج ۱۵۲

آری با این همه گناه و معصیت و تقصیر و کوتاهی لکن باز هم می بینیم این امام همام از نگاه رحمت با شیعیان معامله کرده و از خطاهایشان می گذرد آنها را دعا می کند و همواره آنها را مورد توجه و عنایت خویش قرار می دهد.

۷-۴- عن حجت علیه السلام

«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین کذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم السلاواء و اصطلعکم العداة؛^۱ ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواریها و مصائب بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند.»

البته مساله رحمت و شفقت ایشان در زمان غیبت از تشریفاتی که به محضر ایشان انجام شده کاملاً مشهود است دست رحمتی که ایشان بر سر بسیاری از مریضان کشیده و آنها را شفا داده اند ادای دینها و رفع و دفع گرفتاریها و پریشانیها توسط ایشان همه نمودهایی این از رحمت و اسعه ی این خورشید پشت ابر می باشد چرا که او فرزند پیامبری است که رحمت برای عالمیان بود و او نیز رحمه للعالمین است کما اینکه در حدیث جابر می خوانیم «و اکمل ذلک با بنه م ح م د رحمه للعالمین»^۲

«یعنی سلسله امامت با فرزند امام حسن عسکری علیه السلام یعنی م ح م د که اهمیت

برای جهانیان است تکمیل شود»^۴

۸. تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی یکی از زیباییهای اخلاق اولیاء و بزرگان است ایشان در حالی

^۱ معجم احادیث الامام المهدي ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۳۱

^۲ بحار ۵۳، ص ۱۷۵، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷

^۳ بحار ۵۳، ص ۱۷۵، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷

^۴ کافی، ج ۱، ص ۵۲۷

که در نقطه اوج و در مقامات عالیه قرب الهی سیر می کنند و از بزرگترین مناصب برخوردارند تواضع و فروتنی را نیز به اوج خود رسانیده اند .

در روایت می خوانیم :

۱۸- « علی بن الحسین علیه السلام... و لقد کان یمر علی المدره فی وسط الطريق فینزل عن دابه حتی یفصیها بیده عن الطريق و لقد مر بمجدوبین فسلم علیهم و هم یاکلون فمضی ثم قال ان الله لا یحب المتکبرین فرجع الیهم فقللانی صائم و قال اتتونی بهم فی المنزل فاتقره فاطعمهم ثم اعطاهم »^۱

روزی امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام در میانه راه به سنگی برخورد کرد ایشان از اسب پیاده شده و با دستان خویش سنگ را از جاده کنار زدند و دور کردند روزی هم بر جذامی ها گذر کردند پس بر آنها سلام نمودند در حالی که آنها مشغول خوردن غذا بودند سپس امام از آنجا گذشتند و مکثی نموده فرمودند همانا خداوند متکبرین را دوست ندارد پس ایشان بسوی جذامی ها برگشتند و فرمودند من روزه ام اما دستور دادند آنها را به منزل ایشان ببرند پس جذامی ها را به منزل خویش برده ، آنها را اطعام داده و سپس آنها را اعطاهای فراوان دادند .

این مهدی فرزند همان علی ها و محمدها است که با بینوایان و غلامان هم غذا می شدند و با آنها نشست و برخاست داشتند .

علامه حلی آنگاه که در بیابان موفق به زیارت خورشید عالمتاب عالم هدایت و امامت شدند در حالی بود که جناب علامه سوار مرکب و امام پیاده در رکاب علامه حرکت می کردند و علامه نیز ایشان را نمی شناخت آخرین سوالی که علامه از ایشان پرسید این بود که آیا می شود انسان امامش را در زمان غیبت زیارت کند ؟ علامه گوید در همین حال تازیانه از دستم افتاد ایشان خم شدند و تازیانه را از روی زمین

^۱ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۷۴، باب ۵

برداشته و در دست من قرار دادند و در حالیکه دست من در دست ایشان بودند فرمودند: چرا نمی‌شود در حالیکه دست شما الان در دست امام است.

آری او همان مهدی است که پیامبر اکرم فرمود با دست خویش لقمه در دهان مساکین می‌گذارد.^۱

ارتباط مردم با ایشان در زمان ظهور و حکومت بسیار سهل و آسان خواهد بود
۲-۸- امام علی علیه السلام در توصیف فرزند برومند خویش حضرت صاحب الامر

عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: «... و لا یأخذ حاجباً و لا بوأباً...؛ او پزده دارد دربان ندارد.»^۲
او در زمان غیبت نیز با مردم رفت و آمد دارد.

۳-۸- عن صادق علیه السلام:

«... صاحب هذا الامر یتردّد بینهم و یمشی فی اسواقهم و یطفا فرشهم...؛ صاحب

این امر در بین مردم تردد می‌کند و در بازارهای آنها راه می‌رود و روزی فرشهای ایشان
می‌نشیند.»^۳

^۱ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۳۱

^۲ منتخب الاثر، ص ۴۶۹، به نقل از درسنامه تاریخ غیبت صغری، ص ۲۵۸

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، باب ۲۳

بخش دوم

سیره‌ی حکومتی (اجتماعی)

مقدمه:

تعریف سیره‌ی اجتماعی:

سیره‌ی اجتماعی یعنی اسلوب رفتاری حضرت در تعاملات اجتماعی و حکومتی به عبارت دیگر سبک و اسلوب حضرت در زمینه‌های مختلف حکومتی اعم از مدیریت داخلی، تعاملات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، عمرانی، قضایی و اصلاح‌گری.

نمایی از بحث:

آنچه در این مختصر مورد بحث قرار می‌گیرد شامل قسمت‌های زیر است:

۱- سیره‌ی حضرت در برخورد با اهل حق و شیعیان (قبل و بعد از ظهور را

شامل می‌شود) (سیره‌ی حکومتی)

۲- سیره‌ی حضرت در برخورد با اهل کتاب (سیره سیاسی)

۳- سیره‌ی حضرت در برخورد با کفار و معاندین (سیره‌ی مدیریتی)

۴- سیره‌ی ایشان در برخورد با عمال و زیردستان (سیره‌ی مدیریتی)

۵- سیره‌ی قضایی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۶- سیره‌ی علمی و فرهنگی

۷- سیره‌ی ایشان در احیاءگری و اصلاحات که شامل موارد ذیل می‌شود:

۷-۱ اصلاح دین و مبارزه با بدعت‌ها

۷-۲ اصلاحات اقتصادی (سیره‌ی اقتصادی)

۷-۳ اصلاح و احداث مساجد

۷-۴ راه‌سازی و امنیت جاده‌های

۷-۵ اصلاح نفوس و تربیت افراد (سیره‌ی تربیتی)

۷-۶ عمران و آبادانی زمین (سیره‌ی عمرانی)

فایده‌ی این بحث:

سیره‌ی حکومتی حضرت که مطابق با قرآن و سنت می‌باشد می‌تواند بهترین الگو برای جوامع دولتی و حکومتی دنیا بالاخص حکومت اسلامی ایران باشد. اگر رجال سیاسی و دولتمردان حکومت اسلامی که اغلب داعی خدمتگزاری به خلق را داشته و دارند به جای اقتباس از فرهنگ سیاسی اجتماعی غرب و تلاش برای انطباق آن بر جامعه‌ی اسلامی، نگاهی به سیره‌ی حکومتی امام علی علیه‌السلام و نیز پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم سیره‌ی حکومتی فرزند بزرگوار این عزیزان حضرت مهدی موعود علیه‌السلام می‌انداختند و تلاش و کوشش خویش را در راستای عمل به حداقل بعضی از موارد آن قرار می‌دادند مسلماً اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و معیشتی مردم دهها برابر از وضعیت موجود بهتر می‌شد. وقتی یک مدیر اسلامی دچار تجملگرایی و اسرافکاری و... شود فاصله‌ی او با مردم زیاد شده و غفلت و سستی او

در خدمتگزاری افزایش می‌یابد. آنچه اکنون در بسیاری از جوامع سیاسی و حکومتی و مدیریتی حاکم است متأسفانه در تاریخ ائمه به خصوص آن‌هایی که موفق به تشکیل حکومت شده یا خواهند شد شبیه و سمی ندارد. مدیران جامعه‌ی اسلامی باید بدانند تنها عامل رستگاری و پیروزی ملت و دولت تبعیت از سنت روشن و دین حنیف الهی است که بحمدالله الگوهای بسیار زیبایی از آن در طول تاریخ بروز و ظهور پیدا کرده و در دسترس ما قرار داده شده است.

دو نماد برجسته و فاکتور اساسی در سیره‌ی حکومتی معصومین عدالت و رفاه عمومی است که فقط و فقط در پرتو اجرای دقیق دین و احکام الهی در سطح وسیع قابل دستیابی می‌باشد لکن بعضی با فاصله گرفتن از این طریق مطمئن که دارای بالاترین ضریب اطمینان می‌باشد. مدعی اجرای عدالت و رفاه می‌شوند در حالی که شاید حتی بویی از این سیره نبرده باشند و حداقل در خود و محیط کوچک خانواده‌ی خویش قادر به اجرای آن نبوده‌اند.

بزرگ‌ترین ثمره‌ی این بحث این است که این سیره‌ی زیبا از محدوده‌ی گفتار و نوشتار تجاوز نموده و در مدیریت کلان جامعه‌ی اسلامی به مرحله‌ی عمل و اجرا درآید **إن شاء الله**.

۱. سیره‌ی حضرت در برخورد با اهل حق و شیعیان

(سیره‌ی حکومتی)

روایات و حکایات بیانگر توجه و عنایت ویژه‌ی حضرت به شیعیان و اهل حق می‌باشد تا جایی که حتی در زمان غیبت نیز از یاد ایشان غافل و بی‌توجه نبوده است

همچنان که در جایی می‌فرمایند: «انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الاعداء»^۱ یعنی: (ما از «سیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر هر این بود دشواری‌ها و مصائب بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را (پادشاهان می‌نمودند).

شفا یافتن تعداد کثیری از بیماران و رفع گرفتاری شیعیان به دست باکفایت این امام همام در دوران غیبت نشان‌دهنده‌ی توجه حضرت به امت خویش می‌باشد. مؤانست و ملازمت با مردم و ساده‌زیستی و رسیدگی به بینوایان و مستضعفان و تواضع و فروتنی که در جد و پدر بزرگوار ایشان به عنوان رئیس حکومت وجود داشت در ایشان نیز به نحو احسن متبلور است چرا که در روایات آمده ایشان به سنت و روش پیامبر و نیز امیرالمؤمنین حکومت خواهد نمود.

پیامبر اکرم درباره‌ی ایشان فرمودند: «یقفوا اثری لایخطیء» یعنی «پاهای پای (رسول خدا خواهد گذاشت بدون خطا)»^۲

و یا فرمودند: «سنّته سنّتی یقیم الناس علی ملّتی و شریعتی»^۳.

البته شیوه‌ی برخورد با مردم در تمامی انبیا و اولیای الهی به همین نحو بوده است. وقتی در کتاب خدا، داستان سلیمان نبی را مرور می‌کنی، می‌بینی ایشان به پرندگان و حیوانات نیز توجه و عنایت داشته است و آنگاه که نگاه می‌کند و هدده را نمی‌یابد می‌گوید: «مالی لا اری الهدده» مسلماً شأن و منزلت امام عصر از انبیا بنی اسرائیل بالاتر می‌باشد و این توجه و عنایت به افراد تحت حکومت جلوه‌ی ویژه‌ای در مورد ایشان خواهد داشت.

۱. بحار الانوار ۱۷۵/۵۳.

۲. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۳۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۳۸.

۲. سیره‌ی حضرت در برخورد با اهل کتاب (سیره‌ی سیاسی)

برخی حاکمان و قدرت‌مداران آنگاه که بر قطعه‌ای از زمین ظفر یابند به قلع و قمع مخالفین و معاندین خویش می‌پردازند. امروزه تفکر حاکم بر سردمداران صهیونیست این است که ایشان نژاد برتر بوده و غیر از یهود کسی حق و زندگی ندارد مگر کسی که برده‌ی یهود باشد. در مورد حکومت حضرت ولی عصر، شیوه‌ی برخورد ایشان با مخالفین و اهل فرق و مذاهب دیگر همواره مورد سؤال و کنکاش می‌باشد.

ایشان در جایی که پای حق و حقیقت در میان باشد اهل تسامح و تساهل نیست اما هیچ‌گاه حاکمی زورگو و جبار و خونریز نخواهد بود بلکه حکومت وی حکومت یک عالم رنوف و پرصلابت خواهد بود. ایشان اگر چه دست بر قبضه‌ی شمشیر دارد ولی اولین کلام او دعوت به حق و حقیقت می‌باشد. جهت‌گیری و سمت و سوی تیغ عدالت حضرت متوجه کسانی خواهد بود که به حق و حقیقت گردن نهند. آری گردنی که برای حق خم نشود باید به تیغ عدالت وی زخم شود. امام رضا علیه السلام در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَلَهُ اسْلَمُ مِنَ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾ می‌فرماید:

«انزلت فی القائم اذا خرج بالیهود و النصری و الصابئین و الزنادقه و اهل الردة و الکفار فی شرق الارض و غربها فعرض علیهم الاسلام فمن اسلم طوعاً امره بالصلوة و الزکاة و ما یؤمر به المسلم و یجب الله علیه. و من لم یسلم ضرب عنقه حتی لا یتقی فی المشارق و المغرب احداً الا و حد الله. قلت له: جعلت فداک ان الخلق اکثر من ذلک فقال: وان الله اذا اراد امراً قلل الكثير و کثر القلیل»^۱

^۱ . بحار، ۲۴۰/۵۲، ح ۹۰؛ تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۸۳.

ترجمه: در ذیل آیه‌ی «و تسلیم فدا خواهد شد هر که در آسمان‌ها و زمین باشد چه از روی رغبت و چه از روی اجراه»، حضرت رضاعلیه‌السلام فرمودند:

«این آیه در مورد قائم علیه‌السلام نازل شده است هنگامی که با یهود و نصاری و صابئین و زنادقه و اهل ارتداد و کفار در تمام زمین برخورد نماید ابتدا اسلام را بر ایشان عرضه می‌کند پس کسی که با رغبت پذیرفت او را به نماز و زکات و سایر احکام اسلام امر می‌کند و اما کسی که نپذیرد، گردن او را خواهد زد تا در کل زمین هیچ‌کس باقی نماند جز این که مومند و یکتاپرست باشد.

راوی می‌گوید: به امام عرض کردم: فدایت شوم، مردم خیلی بیش از این طرف‌ها هستند! حضرت فرمودند: فداوند هر گاه کاری را اراده کند زیاد را کم و کم را زیاد می‌کند.

۳. سیره‌ی حضرت در برخورد با کفار و معاندین (سیره‌ی سیاسی)

الف) برخورد با اهل کفر

حاکمان الهی به مصداق کریمه‌ی ﴿إِشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ از یک طرف در بین یاران و اهل حق دوستانه‌ترین و محبت‌آمیزترین برخورد و نشست و برخاست را از خود بروز می‌دهند اما طرف دیگر قضیه که معاندین و کفار هستند - آنهایی که ندای حق را شنیده‌اند و به جای لبیک به آن پشت نموده و به مبارزه‌ی با آن برخاسته‌اند - عقل و فطرت و عرف و شرع حکم می‌کند که چیزی جز شدت عمل و سخت‌گیری برایشان علاج واقع نیست چرا که ترحم بر پلنگ تیزدندان، ستمکاری بود بر گوسفندان. این سیره که مورد طلب قرآن هم قرار گرفته است در سیره‌ی مبارزاتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام کاملاً مشهود و مشاهد

می‌باشد و آیا فرزند ایشان مهدی موعود در برابر اهل کفر و عناد جز این سیره را خواهد پیمود؟

محمد بن مسلم گوید در محضر امام باقر علیه السلام آیه ی ﴿و قاتلوهم حتی لا تکنون فتنه و یكون الدین كله لله﴾ را تلاوت کردم حضرت فرمود:

«لم یجیء تأویل هذه الآیه بعد ان رسول الله علیه وآله وسلم رخص لهم لحاجته و حاجة اصحابه فلو قد جائ تأویلها لم یقبل منهم و لكنهم یقتلون حتی یؤخذ الہ عزوجل و حتی لا یكون شرک»

یعنی: «هلوا تأویل این آیه نیامده است. پیامبر اکرم به خاطر شرایط و موقعیت آن روز به آنها اجازه‌ی زدگی داد پس اگر تأویل این آیه بیاید دیگر مذهب کفر از آنها پذیرفته نخواهد شد با آنها آنقدر نبرد می‌شود تا اینکه فقط فدای یگانه پرستیده شود و هیچ شرکی نباشد.»^۱
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لو قام قائمنا اعطاه الله السیما فیأمر بالکافر فیؤخذ بتواصیهم و اقدامهم ثم یخبط بالسیف خطباً»^۲

یعنی: «اگر قائم ما قیام کند خدا علم سیما (مهره) به او عطا خواهد کرد - کافر را شناسایی کرده - امر به اظهار او می‌نماید پس با ذلت و فواری بایک ضربی شمشیر او را خواهد کشت.

ب) برخورد با نواصب

نواصب کسانی هستند که با اهل بیت دشمنی خاصی داشته و حتی با کمال بی‌شرمی به خود اجازه‌ی فحش و ناسزاگویی به معصومین داده که چنین افرادی

^۱. بحار، ۳۷۸/۵۲، ح ۱۸۱.

^۲. بحار، ۲۲۰/۵۲ و ۳۲۱، ح ۲۶.

اکنون هم از نظر فقهی محکوم به اعدام بوده و خونشان مباح می‌باشد. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در برخورد با ناصبی‌ها ابتدا آنها را دعوت به حق و توبه می‌نماید. اگر پذیرفتند او هم ایشان را می‌پذیرد و آلا به همان سرنوشت گرفتار می‌شوند که برای کفار رقم زده شده است.^۱

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه‌ی ﴿و عباده الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً...﴾ فرمودند: «هم الاوصیاء یمشون علی الارض هونا فاذا قام القائم عرضوا کل ناصب علیه فان اقر بالاسلام و هی الولاية و آلا ضربت عنقه او اقر بالجزیه فاذاها کما یودی اهل الذمة»^۲

یعنی: «آنها اوصیاء هستند که با آرامش و بردباری بر روی زمین راه می‌روند پس آن‌گاه که قائم قیام کند هر ناصبی را بر او عرضه می‌کنند پس اگر اقرار به اسلام که همان ولایت است کرد که هیچ و آلا یا کردن او (امی‌زند و یا) در شرایط خاص) او را ملزم به پرداخت جزیه می‌کنند همچنان که اهل ذمه باید جزیه بدهند.»

سلام بن مستنیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

«اذا قام القائم عرض الایمان علی کل ناصب فان دخل فیه بحقیقته و الا ضرب عنقه او یودی الجزیه کما یودیها الیوم اهل الذمه و یشد علی وسط الهمیان و یخرجهم من الامصار الی السواد»^۳

یعنی: «آن‌گاه که قائم علیه السلام قیام کند ایمان را بر ناصبی‌ها عرضه می‌کند، پس اگر حقیقتاً داخل در آن شدند و پذیرفتند که هیچ و آلا کردن آنها را فواید (د یا آنها را ملزم به پرداخت جزیه خواهد نمود...»

۱. فرق نواصب با کفار این است که نواصب خود را مسلمان می‌دانند لکن به سبب بغض و عداوتی که با علی و اولاد او دارند نصب ایشان را جایز می‌دانند.

۲. بحار، ۳۷۸/۵۲، ح ۱۸۱.

۳. بحار، ۳۷۵/۵۲، ح ۱۷۵.

نکته: مرحوم علامه مجلسی ذیل این روایات در کتاب مرآت العقول می‌فرماید: شاید این حکم (جزیه) مربوط به آغاز قیام باشد زیرا ظاهر روایات این است که از آنان جز ایمان پذیرفته نیست و اگر نپذیرند کشته می‌شوند.^۱

ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه‌السلام سؤال کردم آیا دشمنان شما هم در دولت شما نصیبی خواهند داشت؟ فرمودند:

«لا یا ابامحمد، ما لمن خالفنا فی دوتنا من نصیب ان الله قد احل لنا دماؤهم عند قیام قائمنا فالیوم محرم علینا و علیکم ذلک فلا یغرنک احدٌ اذا قام قائمنا انتقم لله و لرسوله و لنا اجمعین»^۲

یعنی: «ای ابامحمد، مخالفین ما در دولت ما هیچ نصیبی نخواهند داشت. همانا خداوند آن روز خون آنها را بر ما ملال خواهد کرد هنگام قیام قائم اما امروز خون ایشان بر ما و شما مزارع است پس امدی از ایشان فریبت ندهد. هنگامی که قائم ما قیام کند برای خدا و رسول او و برای همه‌ی ما انتقام خواهد کشید.»

(ج) برخورد با منافقین

منافق به انسان دورویی می‌گویند که در ظاهر اظهار اسلام می‌کند لکن در باطن و درون خویش به چیزی جز کفر نمی‌اندیشد. در قرآن کریم در ابتدای سوره‌ی بقره سه توصیف و بیان ویژگی‌های ایشان پرداخته شده است و حتی سوره‌ی جداگانه‌ای در قرآن به نام ایشان نازل شده است.

حضرت آیت ... جوادی حفظه‌الله با استناد به آیه‌ی ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ

^۱ . مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۶۰، به نقل از کتاب چشم‌اندازی به حکومت جهانی امام مهدی، ص ۱۲۷.

^۲ بحار، ۳۶۵/۵۲، ح ۱۷۷.

من النار^۱ می‌فرماید: بدترین عذاب و شدیدترین جایگاه جهنم برای منافقین خواهد بود. چرا که طبق آیه‌ی ۲۶ سوره نبا که می‌فرماید: ﴿جَزَاءٌ وَفَاقًا﴾ جزا و کیفر انسان مطابق با عمل اوست از طرف دیگر منافقین بدترین افراد هستند و بدترین اعمال را دارند در آیه‌ی ۳۲ انفال می‌فرماید: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (همانا بدترین مذبذگان نزد خدا کز و لال است؛ کسانی که تعقل نمی‌کنند.) و در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸ درباره‌ی منافقین می‌فرماید: ﴿صَّمُّ بَكْمٍ عَمَىٰ فَهْمٍ لَا يَرْجِعُونَ﴾ یعنی: (منافقین کز و لال و کورند و ایشان را بازگشتی نیست.) پس منافقین بدترین جنبدگان بوده و عذاب و جایگاه ایشان هم بدترین خواهد بود.

بنابراین برخورد امام عصر با ایشان باید شدیدترین برخوردها باشد.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

«...ثمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مَرْتَابًا...»^۲

یعنی: «امام داخل کوفه می‌شوند و در آنجا هر منافق مرتابی را خواهد کشت.»

امام حسین علیه‌السلام به فرزند خویش امام سجاد فرمودند:

«...يا ولدي يا علي والله لا يسكن دمي حتى يبعث الله المهدي فيقتل علي دمي من

المنافقين الكفرة الفسقة سبعين الفاً»^۳

یعنی: «ای فرزنده علی جان به خدا قسم خون من آرام نخواهد شد تا اینکه خداوند

امام مهدی را برانگیزد و در انتقام خون من هفتاد هزار نفر از منافقین فاسق را بکشد.

۱. نساء/۱۴۵.

۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، ح ۸۱.

۳. بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۹.

(د) برخورد با فرقه‌های باطل و مقدس‌نماها

ابی‌جارود از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

«... و یسیر الی الکوفة فیخرج منها ستة عشر الفاً من البتريه شاकिन فی السلاح قرآء القرآن فقهاء فی الدین قد قرحوا جباههم و سموو آسمانهم و عثمهم النفاق و کلهم یقولون یا ابن فاطمه ارجع لا حاجة لنا فیک فیضع السیف فیهم علی ظهر النجف عشية الاثنین من العصر الی العشاء فیقتلهم اسرع من جزر جزور فلا یفوت منهم رجل و لا یصاب من اصحابه احد، دماؤهم قربان الی الله...»^۱

ترجمه: «... امام به کوفه می‌آید ۱۶ هزار از فرقه‌ی بتریه^۲ با تجهیزات کامل از کوفه خارج می‌شوند در حالی که قرآن می‌فوانند و فقیه در دین هستند و در پیشانی آنها اثر سجد شده است و بلند آوازها را اما نفاق آنها را فراگرفته است. همه‌ی آنها می‌گویند: ای پسر فاطمه برگرد که ما به تو امتیاهی نداریم. امام عصر (روز دوشنبه در پشت کوفه شمشیر را در بین آنها فرود می‌آورد و تا هنگام عشاء همه‌ی ایشان را می‌کشد متی سریع‌تر از کشتن میوان توسط قصاب پس هیچ یک از ایشان باقی نمی‌ماند و به هیچ‌یک از اصحاب حضرت صدمه‌ای نمی‌رسد. خون ایشان قربتاً الی الله ریخته شده است.

امام باقر علیه‌السلام درباره‌ی فرقه مرجئه می‌فرماید:

«... ویح هذه المرجئه الی من یلجئون غداً اذا قام قائمنا؟ قلت انهم یقولون لو قد کان ذلک کنّا نحن و انتم فی العدل سواء فقال: من تاب تاب الله الیه و من اسرّ نفاقاً فلا یبعد الله غیره و من اظهر شیئاً اهرق الله دمه ثم قال: ینذبحهم والذی نفسی بیده کما ینذبح

^۱ . دلایل الامامة، ص ۴۵۵.

^۲ . بتریه یا بتریه، یکی از فرقه‌ی زیدیه و از یاران حسن بن صالح بن حسی و کثیرالنواء هستند. ایشان طرفدار و هواخواه علی بودند لکن بیعت با ابوبکر و عمر را درست دانسته و درباره‌ی عثمان خاموش بودند. (فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمدجواد مشکور، ص ۹).

القصاب شاقه و اوماً بیده الی حلقه...»^۱

یعنی: «وای به مال این مرچئه^۲ فردا وقتی قائم ما قیام کند به چه کسی پناه خواهند آورد؟ راوی گوید به امام عرض کردم: آنها می‌گویند اگر قیام صورت گیرد ما و شما شیعیان در عدل برابریم، امام فرمودند: هر کس توبه کند خدا توبه‌اش را می‌پذیرد و اما کسی که نفاق ورزد پس خدا او را دور می‌کند نه غیر او را و اما کسی که نفاق ورزد پس خدا او را دور می‌کند نه غیر او را و کسی که آن را آشکار سازد خدا فونش را فواید ریفت پس حضرت فرمودند: به فدایی که جانم در دست اوست آنها را ذبح فواید کرده‌مچنان‌که قصاب گوسفندش را می‌کشد و در این حال امام با انگشت به ملق اشاره کردند. باید توجه داشت که این شدت عمل بعد از توبه دادن و دعوت به حق می‌باشد. هر که در برابر حق ایستادگی کند باید در برابر او ایستادگی کرد ﴿فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم﴾.

هـ) برخورد با شیطان (ابلیس)

وهب بن جمیع گوید از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی این آیه سؤال کردم: ﴿ربّ فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم﴾.
 راوی سؤال کرد: فدایت شوم آن روز چه روزی است؟
 حضرت فرمودند: «یا وهب اتحسب انه یوم یبعث الله فیہ الناس؟ ان الله انظره الی یوم یبعث فیہ قائمنا فاذا بعث الله قائمنا کان فی مسجد الکوفه و جاء ابلیس حتی یحشو بین یدیه علی رُکبته فیقول یا ویله من هذا الیوم فیاخذُ بناصيته فیضرب عنقه فذلک یوم

^۱ . بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۷، ح ۱۲۲.

^۲ . فرقه‌ای که بعد از شهادت حضرت علی در برابر خوارج و شیعیان علی تشکیل شد. آنها بر خلاف خوارج معتقد بودند اهل کبائر از دین خارج نمی‌شوند و برای آنان امید آمرزش می‌باشد آن‌ها امام و خلیفه‌ای که مرتکب کبیره شود را نیز واجب‌الاطاعة می‌شمردند. (فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمدجواد مشکور، ص ۴۰۱ و ۴۰۲).

الوقت المعلوم^۱

یعنی: «ای وهب، آیا گمان می‌کنی آن روز، روز قیامت است؟»

همان‌ها ابلیس را تا روز قیام قائم مهلت داده است. پس آنگاه که قیام نماید در مسجد کوفه است که ابلیس می‌آید تا اینکه در پیش روی حضرت بر روی دو زانو قرار می‌گیرد و امام می‌گوید: «ای به حال او از امروز پس موی پیدائنی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند پس آن روز روز وقت معلوم است.»

آری شیطان که بدترین نماد شرارت و زشتی و سرکشی و عصیان است در آن روز از بین خواهد رفت یعنی همه‌ی زشتی‌ها و شرارت‌ها و سرکشی‌ها و بدی‌ها در هنگام ظهور حضرت صاحب‌الامر نابود خواهد شد. حکومت صالحان باید از این ویژگی برخوردار باشد که پادشمنان حق‌انهایی که به راه راست مستقیم نخواهند شد با شدت و صلابت برخورد نموده و تمام تلاش و نیروی خویش را در راه از بین بردن زشتی‌ها و معاصی و بی‌عدالتی‌ها و کجی‌ها و ناراستی‌ها بکار گیرد.

۴. سیره‌ی حضرت در برخورد با عمال و زیردستان

(سیره‌ی مدیریتی)

در حکومت صالح تمام مدیران و مسئولان باید صالح باشند. اگر قرار است عدل در سرتاسر قلمرو حکومت اسلامی به اجرا درآید اولاً باید در تمامی نقاط امرا و حکام عادل حضور داشته باشند.

قال الصادق علیه السلام:

«یفرق المهدی اصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و الاحسان و یجعلهم

^۱ . بحار، ج ۶۰، ص ۲۵۴، ح ۱۱۹.

حکاماً فی الاقالیم و یامرهم بعمران المدین»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«امام مهدی یارانش را در تمام شهرها پراکنده می‌سازد و آنها را امر به عدل و امتنان

می‌نماید و آنها را ماکم در اقالیم مختلف قرار داده و مأمور آبادالی شهرها می‌سازد.»

امام علی علیه السلام فرمودند:

«فیبعث المهدی علیه السلام الی امرائه بسائر الامصار بالعدل بین الناس»^۲

«امام مهدی امرایش را به سایر شهرها می‌فرستد و آنها را امر می‌کند به عدالت بین

مردم.»

ثانیاً والی باید نسبت به امرا و حکام و فرمانداران و مدیران دقیق و مسخت‌گیر

باشد - آن‌گونه که علی بن ابی طالب علیه السلام عمل می‌کردند - و چنان‌چه یکی از آنها

خطای مرتکب شد او را مؤاخذه و بازخواست نماید.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «علامة المهدي ان يكون شديداً علی العمال...»^۳

پیامبر اکرم فرمودند: «علامت امام مهدی اینست که نسبت به کارگزاران خویش

شدید و سخت‌گیر است.»

امام علی علیه السلام در باره‌ی امام مهدی علیه السلام فرمودند:

«یاخذ الوالی من غیرها عمالها علی مساوی اعمالها لیریک کیف عدل السیرة...»^۴

یعنی والی کارگزاران خویش را بر سوء عمل مؤاخذه خواهد نمود تا عدالت

سیره‌ی نبوی را به شما نشان دهد.

او با این که امام است و دارای علم امامت، لکن بنا اصحاب خویش مشورت

۱. الامام المهدي، ص ۲۷۱، به نقل از درسنامه‌ی تاریخ عصر غیبت، ص ۲۷۱.

۲. عقد الدرر فی احوال المنتظر، ص ۲۱۱.

۳. عقد الدرر، ص ۲۲۲.

۴. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۸، به نقل از درسنامه، ص ۲۵۹.

می نماید:

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «و يستشير المهدي اصحابه»^۱

۵. سیره ی قضایی حضرت

قضاوت و حکومت همواره متکی بر دلایل و بینات بوده است، مگر در زمان حضرت داوود که ایشان به الهام الهی به واقع حکم می نمودند. این شیوه ی حکومت و قضاوت یک بار دیگر در زمان حضرت مهدی به وقوع خواهد پیوست. ایشان با یک نگاه مجرم را از غیر مجرم تشخیص داده و حکم لازم را صادر و اجرا خواهد نمود.

قال الصادق عليه السلام:

«لا تذهب الدنيا حتى يخرج رجل مني يحكم بحكومة ال داوود و لا يسأل عن بينة يعطى كل نفس حكمها»^۲

دنيا تمام نخواهد شد مگر آن که مردی از فرزندان من خروج خواهد کرد که به شیوه ی داوود حکم می کند و از کسی طلب بینه نمی نماید. او هر کسی را حکم لازم خواهد نمود.

قال الحسن العسكري عليه السلام:

«... فإذا قام يقضى بين الناس بعلمه كقضاء داوود لا يسأل البينة»^۳

عن الصادق عليه السلام:

«إذا قام قائم آل محمد حكم بين الناس بحكم داوود و لا يحتاج الى بينة يلهمه الله

^۱ الزام الناصب، ص ۲۰۱، به نقل از درسنامه، ص ۲۵۹.

^۲ بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰، ح ۲۲.

^۳ بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰، ح ۲۵.

تعالی فیحکم بعلمه و یخبر کل قوم بما استنبطوه و یُعرف ولیّه من عدوّه بالتوسم قال الله سبحانه ان فی ذلك لآیات للمتوسمین و أنّها لبسیل مقیم.^۱

یعنی هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به شیوه‌ی داوود بین مردم قضاوت می‌کند. ایشان نیازی به بیّنه ندارد. خداوند به او الهام می‌کند پس به علم خویش حکم می‌کند و هر قومی را به آنچه کرده خبر می‌دهد. او دوستش را از دشمن می‌شناسد، با توسم (از روی سیما و چهره می‌شناسد).

همچنان که خداوند عالم فرمود: «ان فی ذلك لآیات للمتوسمین...»

و در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام رسیده است:

«إذا قام القائم علیه السلام لم یقم بین یدیه احد من خلق الرحمن الا عرفه صالح

هوام طالح الا و فیه آیه للمتوسمین و هی السبیل المقیم»^۲

یعنی: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند هیچ کس در پیش روی او نمی‌ایستد از

بلدگان فدای همان مگر این که می‌داند او نیکوکار است یا بدکار. هان آگاه باشید در این مطلب نشانه‌ای است برای متوسمین و این راه پایدار است.

آری شیوه‌ی قضاوت او کاملاً نو و جدید است. امام باقر علیه السلام فرمودند:

«... یقوم بامر جدید و سنة جدیدة و قضاء جدید»^۳

در روایت به نمونه‌ای از احکام قضایی جدید آن روز اشاره شده است:

عن علی بن ابی حمزه عن ابی عبدالله و ابی الحسن علیهما السلام قال:

«لو قد قام القائم لحکم بثلاث لم یحکم بها احد قبله یقتل الشیخ الزانی و یقتل مانع

الزکاة و یورث الاخ اخاه فی الاظلة»^۴

^۱. بخار، ج ۵۲، ص ۲۳۹، ح ۸۶.

^۲. بخار، ج ۵۲، ص ۲۲۵، ح ۲۸.

^۳. بخار، ج ۵۲، ص ۲۴۹، ح ۹۹.

^۴. بخار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

امام صادق و امام کاظم علیهما السلام فرمودند:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، هکم به سه چیز می‌کند که قبلاً کسی به آنها هکم نکرده است. ۱- پیر (نیکار) را می‌کشد ۲- مانع زکات را به قتل می‌رساند ۳- برادر ناتنی از برادر هویش ارث هواده برد.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دمان فی الاسلام حلال من الله عزوجل لا یقضی فیهما احد بحکم الله عزوجل حتی یبعث الله القائم من اهل البیت فیحکم بحکم الله عزوجل لا یرید فیہ بینه الزانی المحصن یرجمه و مانع الزکاة فیضرب رقبتہ»^۱

یعنی: «دو هون در اسلام حلال است و هیچ کس به هکم خدا راجع به آنها عمل نکرده است تا زمانی که خدا قائم اهل بیت را مبعوث نماید پس در آن دو مورد به هکم خدا هکم می‌کند و در آن بینه نمی‌هواده. ۱- (لی محصن که او را رجم می‌کند ۲- کسی که مانع زکات باشد که گردنش را می‌زند.)

معاویه دهنی گوید در مورد آیهی شریفه: ﴿یُعْرِفُ الْمَجْرَمُونَ بِسِیْمَاهُمْ فِیُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِیِ وَ الْاَقْدَامِ﴾ یعنی: «مجرمین با هیره شناخته شده و هوی پیدشانی و قدم‌های آنها را می‌گیرند.» امام صادق علیه السلام فرمودند:

«یا معاویه ما یقولون فی هذا؟ قلتُ یزعمون ان الله تبارک و تعالی یعرف المجرمون بسیماهم فی القيامة فیأمر بهم فیؤخذ بنواصیهم و اقدامهم فیلقون فی النار. فقال لی: و کیف یحتاج الجبار تبارک و تعالی الی معرفة خلق انشأهم و هم خلقه؟ فقلت: جعلت فداک و ما ذلک؟ قال: لو قام قائمنا، اعطاه الله السیماء فیأمر بالکافر فیؤخذ بنواصیهم و اقدامهم ثم یخبط بالسیف خطباً»^۲

^۱ . بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۵، ح ۴۹.

^۲ . بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰ و ۳۲۱، ح ۲۶.

یعنی: «ای معاویه، مردم درباره‌ی این آیه چه می‌گویند؟ گفتم: ایشان گمان می‌کنند که خداوند تبارک و تعالی مجرمین را به وسیله‌ی پهره‌ی آنها در روز قیامت فواید شناخت پس امر می‌کند تا موی پیشانی و پاهای ایشان را بگیرند و در آتش بیاندازند. امام فرمودند: چگونه خداوند تبارک و تعالی نیاز دارد به شناخت فلکی که خود ایشان را آفریده است و مخلوقین او هستند؟

گفتم: فدایت شوم پس منظور آیه چیست؟ حضرت فرمودند: اگر قائم ما قیام کند خداوند به او علم پهره می‌دهد پس او به کافر اشاره می‌کند و او را با موی پیشانی و پاها گرفته و سپس با یک ضربه‌ی شمشیر می‌کشد.

۶. سیره‌ی علمی و فرهنگی

مسئله‌ی حکومتی که ایشان تشکیل می‌دهند برپایه‌ی علم و فرهنگ می‌باشد و مردم در آن روز در بالاترین درجات علم و فرهنگ خواهند بود.

جابر از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

«اذا قام قائم آل محمد ضرب فساطيط لمن يُعلم الناس القرآن على ما انزل الله جلّ

جلاله»^۱

یعنی: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم قیام کند، فیما بین را فواید زد

برای کسی که به مردم قرآن را همان‌گونه که خدا نازل کرده تعلیم دهد».

نکته‌ی بسیار زیبایی که از این روایت به دست می‌آید این است که امام عنایت ویژه‌ای به واقعی بودن تعلیمات و علوم و دور بودن آنها از تحریف دارند و لذا اهتمام ایشان فقط به نشر علم نیست، بلکه علمی که مطابق واقع و خالی از تحریف

^۱. بحار، ۳۰۹/۵۲.

باشد و باید مورد توجه قرار گیرد.

ابان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

«العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فإذا قام قائمنا، اخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبثها و ضم إليها الحرفين حتى يبتها سبعة و عشرين حرفاً»^۱

یعنی: «علم بیست و هفت حرف است. همی آن چه الییا آورده اند، دو حرف است و مردم تا امروز تنها از دو حرف آگاهی یافته اند پس آن گاه که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را استخراج کرده و آن را نشر می دهد و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می کند تا همی ۲۷ حرف در عالم گسترش یابد».

۷. سیره ی حضرت در احیاءگری و اصلاحات

۱-۷) اصلاح دین و مبارزه با بدعتها

آن چه از روایات به دست می آید این است که تا زمان ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف پیرایه های زیادی به دین اسلام بسته خواهد شد و این تحریفات آن قدر زیاد است که وقتی ایشان با اسلام واقعی ظهور می کند گویا یک دین جدید آورده است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«...يقوم بأمر جديد و سنة جديدة...»^۲

یعنی: «قیام می کند با یک دین جدید و یک سنت نو».

^۱. بحار، ۲۳۶/۵۲، ح ۷۳.

^۲. بحار، ۲۴۹/۵۲، ح ۹۹.

و امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«اذا قام القائم جاء بامر جدید كما دعا رسول الله في بدو الاسلام الى امر جدید.»^۱

یعنی: «هنگامی که قائم قیام کند یک دین جدید می‌آورد، همچنان که رسول الله در

ابتدای اسلام به امر جدید دعوت کرد.»

آری او به تمام معنای کلمه زنده کننده‌ی اسلام است همچنان که جد بزرگوارش

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در باره‌ی او فرمودند: «...و يحيى ميّت الكتاب

والسنة» یعنی: «او کتاب و سنت مرده را زنده می‌کند.»^۲

تعبیر زنده کردن در این روایت و استفاده از کلمه‌ی میّت نشان‌دهنده‌ی عمق

تحریفات در دین اسلام و سنت رسول خدا خواهد بود.

امام صادق علیه‌السلام در روایت دیگری می‌فرماید:

«اذا قام القائم عليه السلام دعا الناس الى الاسلام جديداً و هداهم الى امر قد دُبر

فضلاً عنه الجمهور و انما سمى القائم مهدياً لانه يهدى الى امر مضلول عنه و سمى

بالقائم لقيامه بالحق.»^۳

یعنی: «هنگامی که قائم علیه‌السلام قیام کند، مردم را از نو به اسلام دعوت می‌کند و

آن‌ها را به امری دعوت می‌کند که تا آن روز از یاد رفته و کهنه شده و مردم از آن گمراه

شده‌اند و همانا قائم را مهدی گویند زیرا به امری هدایت می‌کند که مردم از آن گمراه

شده‌بودند و او را قائم گویند زیرا به حق قیام می‌کند.»

و باز در روایت دیگر امام ششم فرمودند:

«يصنع كما صنع رسول الله صلى الله عليه و آله يهدم ما كان قبله كما هدم رسول

۱. بحار، ۲۳۸/۵۲، ح ۸۲.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۲۸.

۳. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۴، ص ۵۱، ح ۱۱۲۲.

الله امر الجاهلیة و یستأنف الاسلام جدیداً^۱

یعنی: «او مانند رسول خدا عمل می‌کند. المرافات قبل از هویش را نابود می‌سازد

همچنان که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم امر جاهلیت را نابود کرد و اسلام از سر می‌گیرد».

آری او می‌آید تا همه‌ی کجی‌ها و ناراستی‌ها را اصلاح کند و دین مرضی را بر

جهانیان عرضه نموده و به مرحله‌ی عمل درآورد.

رسول خدا درباره‌ی ایشان فرمودند:

«...یمحوا الله به البدع کلها و یفتح به باب کل حق و یغلق به باب کل باطل».^۲

یعنی: «خدا به وسیله‌ی او همه‌ی بدعت‌ها را می‌زداید و به وسیله‌ی او باب هر مفسدی را

می‌گشاید و باب هر باطلی را مسدود می‌سازد».

او کمر بسته برای از بین بردن تمام بدعت‌ها و تحریفات

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«...ولا یتربک بدعة الا ازالها و لا سنة الا اقامها».^۳

«او هیچ بدعتی را باقی نمی‌گذارد الا این که آن را زایل می‌سازد و هیچ سنتی را باقی

نمی‌گذارد الا این که آن را اقامه می‌نماید».

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«سیمیئت الله به کل بدعة و یمحو کل ضالّه و یحیی کل سنة».^۴

«خدا هر بدعت و گمراهی را به دست او نابود خواهد ساخت و هر سنتی را به دست او

اقامه خواهد نمود».

پس به امید روزی که همه‌ی بدعت‌ها محو و همه‌ی سنت‌ها احیا شود و آن روز

^۱ . بحار، ۳۵۲/۵۲، ح ۱۰۸ و معجم احادیث، ج ۴، ص ۵۱، ح ۱۱۲۳.

^۲ . معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ذیل حدیث ۹۸، ص ۱۷۴.

^۳ . بحار، ۳۳۹/۵۲، ح ۸۴.

^۴ . کافی، ج ۱، ص ۴۱۲، به نقل از درسنامه، ص ۲۵۷.

چندان دور نیست. آیا به زعم شما چنین نیست؟ ایس الصبح بقریب؟

۲-۷) اصلاحات اقتصادی

هر گاه اقتصاد بیمار باشد باعث تولید بیماری می‌شود و در این بین حق بعضی ضایع شده و بعضی دیگر با اموال مردم نردبان صعود و ترقی را می‌پیمایند در حالی که له کردن دیگران آسان‌ترین کار برای ایشان خواهد بود. در چنین وضعیتی بسیاری از چیزها در جای خود قرار نخواهد داشت. اوکه منادی و مجری عدالت و قسط و داد است مسئول بازگرداندن همه‌ی این جابجایی‌ها و درمان همه‌ی این علت‌هاست. برخی از کارهایی که امام مهدی در جهت اصلاح ساختار اقتصادی انجام می‌دهد به شرح زیر است:

الف: از بین بردن قطائع و بازگرداندن آن‌ها

قطائع به زمین‌هایی گفته می‌شود که توسط برخی حکام و امرا بدون علت به بعضی افراد واگذار شده در حالی که حق برخی دیگر بوده است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلاقطائع»^۱

«وقتی مهدی ما قیام کند، قطائع را نابود خواهد ساخت و دیگر زمین‌شواری در کار

نخواهد بود»

ب: ردّ مظالم

امام علی علیه‌السلام فرمود: به خدا قسم اگر بیت‌المال را مهر زنان خویش کرده باشند

آن را بر خواهم گرداند.

۱. بحار، ۵۲، ص ۲۰۹.

فرزند ایشان مهدی می آید تا این کلام جد خویش را جامه‌ی عمل پوشاند. آن هم در سطح وسیع جهانی.

عن النبی صلی الله علیه و آله قال:

«یبلغ من ردّ المهدی المظالم حتی لو کان تحت ضرس انسان علیه السلام انتزعه حتی

یرده»^۱.

«امام مهدی در ردّ مظالم پنهان است که حتی اگر مالی، زیر دندان کسی باشد آن را

بیرون کشیده و به صاحبش برمیگرداند».

ج: از بین بردن ربا

بزرگترین علت بیماری اقتصاد ربا و رباخواری است. بدترین پیامد آن فقیر شدن

تهی‌دستان و غنی شدن اغنیا است. در قرآن از رباخوار تعبیر به کسی شده که به جنگ خدا و رسول آمده است.

امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمودند:

«...و ینهب الربا...»^۲ یعنی: «ربا در امان امام مهدی از بین خواهد رفت».

د: تقسیم ثروت‌ها و ریشه‌کنی فقر و تنگدستی

قال الصادق علیه‌السلام:

«...ان قائمنا لو قد قام کان یصیبک فی الارض اکثر منها و لو قد قام قائمنا کان

الاستان امثل من قطائعهم»^۳.

^۱ . مقدر الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۶۳.

^۲ . منتخب الاثر، ص ۴۷۲، به نقل از درسنامه، ص ۲۵۶.

^۳ . معجم احادیث الامام مهدی، ج ۴، ص ۷۲، ح ۱۱۴۲.

یعنی: «آن‌گاه که قائم ما قیام کند نصیب و بهره‌ی تو در زمین بیش از این خواهد بود و اگر قائم ما قیام کند حتی درآمد سال قمطی از درآمد زمین‌های آن‌ها (قطائع) بیشتر است».

علی بن عقبه روایتی را از پدرش نقل می‌کند که در انتهای آن می‌گوید:

«...لا یجد الرجل منکم یومئذ موضعاً لصدقته لشمول الغنی جمیع المؤمنین»^۱

یعنی: «هیچ‌یک از شماهایی برای صدقه‌ی خویش نخواهد یافت (ممتاجی پیدا

نمی‌شود) به خاطر این‌که بر نیازی و دارایی همه‌ی مؤمنین را دربر گرفته است».

نهایتاً این راهکارها به شکوفایی عظیم اقتصادی منجر خواهد شد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«...و یزرع الانسان مئداً یرج له سبعاًة مئدٌ كما قال الله تعالی: ﴿كَمْثَل حَبَّةِ اَنْبِتت

سبع سنابل فی کلّ سنبله مائة حبة و الله یضاعف لمن یشاء و یرب الریاء... و تطول

الاعمار و تؤدی الامانة و تحمل الاشجار و تتضاعف البرکات و تهلك الاشرار و تبقى

الاخيار و لا یبقى من یرفض اهل البیت علیهم‌السلام»^۲.

«در آن روز انسان یک مئد می‌کارد و هفتصد مد برای او می‌روید همچنان‌که فداوند در

قرآن فرمود: (مانند دانه‌ای که هفت فوشه از آن می‌روید در هر فوشه‌ای یکصد دانه و فدا

برای هر که بخواهد زیاد می‌کند) در آن روز ربا از بین می‌رود... عمرها طولانی می‌شود و

امانات ادا می‌شود و درختان پربار می‌شوند و برکات ازدیاد می‌یابند، اشرار هلاک شده و

افیار باقی می‌مانند و بر روی زمین کسی که برفض اهل بیت داشته باشد باقی نخواهد

ماند.

امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آن دوران طلایی می‌فرماید:

«...و تظهر الارض کنوزها حتی تراها الناس علی و جهها و یطلب الرجل منکم من

۱. بحار، ف ۲/۳۳۸ و ۳۳۹، ح ۸۳.

۲. بحار، ۳۸۴/۵۲، ح ۱۹۴ و عقدالدرر، ص ۲۱۱.

یصله بماله و یاخذ من زکاته لایوجد احد یقبل منه ذلك استغنی الناس بما رزقهم الله من فضله»^۱

«زمین گله‌هایش را آشکار می‌سازد به گونه‌ای که مردم آن گله‌ها را بر روی زمین خواهند دید. در آن روز یکی از شما به دنبال کسی می‌گردد تا مقداری مالش را به او بدهد و موضعی برای اوقات هویش بیابد اما کسی یافت نمی‌شود تا آن مال را از او بپذیرد زیرا مردم به خاطر آن‌ها فدا از فضل هویش (روانشان کرده، بی‌نیاز شده‌اند)».

۳-۷) اصلاح و احداث مساجد

الف: بنای مساجد جدید:

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«...و یبنی فی ظهر الکوفه مسجداً له الف باب و یصل بیوت الکوفه بنهر کربلا بالحیره»^۲

یعنی: «او در پشت کوفه مسجد بزرگی را بنا می‌کند که هزار در دارد. بنابراین خانه‌های

کوفه به نهر کربلا در میره متصل خواهد شد».

در روایت دیگر می‌خوانیم:

«خرج امیر المؤمنین علیه‌السلام الی الحیره فقال لیتصلنّ هذه بهذه - و اوماً بیده الی

الکوفه و الحیره - حتی یباع الزراع فیما بینهما بدنانیر و لیبنینّ بالحیره مسجداً له خمسماًة

باب یصلی فیہ خلیفة القام لان مسجد الکوفه لیضیق علیهم و لیصلینّ فیہ اثنا عشر اماماً

عدلاً.

قلت: یا امیر المؤمنین و یسعُ مسجد الکوفه هذا الذی تصف الناس یومئذ؟

قال: تبنی له اربع مساجد، مسجد الکوفه اصغرها و هذا و مسجدان فی طرفی

^۱ . بحار، ۳۳۷/۵۲، ذیل حدیث ۷۷.

^۲ . بحار، ۳۳۷/۵۲، ذیل حدیث شریف.

الكوفة من هذا الجانب و هذا الجانب و اوماً بيده نحو البصر بين و القرين»^۱.

«روای امیرالمؤمنین به طرف میره فارغ شد، بعد با دست شویش به کوفه و میره اشاره کرده و فرمودند؛ این‌ها به این‌ها متصل خواهد شد. مزارع بین این دو با دیوارهایی فریداری می‌شود و در میره مسجدی برپا می‌شود که پانصد درج دارد. در این مسجد خلیفه‌ی امام قائم نماز می‌خواند زیرا مسجد کوفه در آن روز گنجايش کافی ندارد. همانا دوازده امام عادل در آن نماز خواهند خواند.

گفتم، یا امیرالمؤمنین آیا مسجدی که توصیف کردید آن روز گنجايش مردم را دارد؟ امام فرمودند؛ چهار مسجد امداث می‌شود. مسجد کوفه که کوچک‌ترین آن‌هاست و این مسجد و دو مسجد دیگر در دو طرف کوفه از دو جانب بصره و فریه».

ب: اصلاح مساجد فعلی

یکی از انحرافات که در بعضی مساجد ایجاد شده نوع ساختار اماکن مقدسه می‌باشد که بر اثر انواع تزیینات و تجملات و پیرایه‌ها تنها چیزی که در آن خیلی سخت به دست می‌آید آرامش و یاد خداست. بعضی دیگر ممکن است در مسیر قرار گرفته باشد یا نیاز به اصلاح داشته باشد که توسط امام صورت می‌گیرد.

عن ابی بصیر عن الصادق علیه السلام قال:

«إذا قام القائم دخل الكوفة و امر بهدم المساجد الاربعة حتى يبلغ اساساً و یصیرها عریشاً كعریش موسى و یكون المساجد كلها جماء لا شرف لها كما كان علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و یهدم كل مسجد علی الطريق»^۲.

ابی بصیر از امام صادق روایت می‌کند که فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند داخل کوفه می‌شود و امر به انهدام مساجد چهارگانه

^۱. بحار، ۳۷۴/۵۲، ح ۱۷۳.

^۲. بحار، ۳۳۲/۵۲، ح ۶۱ و نیز ص ۳۳۹، ح ۸۴.

می‌کند تا اینکه به حالت اولیه برگردد و آن‌ها را به مانند سایبان موسی قرار خواهد داد (کنایه از این که ساده و بی‌پیرایه خواهد شد) و همه را یکسان قرار خواهد داد به گونه‌ای که بعضی را بر بعض دیگر شرف نباشد همچنان‌که در عهد رسول خدا مساجد چنین بود او مساجدی که بر سر راه باشد را هراب می‌کند.»

و نیز در روایت دیگر درباره‌ی مسجدالحرام و مسجدالرسول می‌فرماید:

«القائم يهدم المسجد الحرام حتى يردّه الى اساسه و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم الى

اساسه و يرد البيت الى موضعه و اقامه على اساسه...»^۱

«امام قائم، مسجدالمرام و مسجدالنبی را به حالت اولیه باز خواهد گرداند و خانه‌ی

خدا را به جایگاه اول برمی‌گرداند و از اساس آن را بنا می‌کند.»

۴-۷) راه‌سازی و امنیت جاده‌ای

ابوبصیر از امام باقر علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود:

«و یوسّع الطريق الاعظم فیصیر سبعین ذراعاً و یهدم کل مسجد علی الطريق و یسُدُّ

کل کوة الى الطريق و کل جناح و کنیف و میزاب الى الطريق...»^۲

«او راه اصلی را وسعت می‌دهد تا جایی که عرض آن به ۷۰ ذراع می‌رسد (حدود ۳۵

متر) و هر مسجدی که در مسیر قرار گرفته باشد را ویران می‌کند. او هر پنجره‌ای را که به

خیابان باشد یا چیزی که مزاحم رفت و آمد باشد و نیز مستراح و فاضلاب و ناودانی که به

جاده باشد را مسدود می‌سازد.»

امام کاظم علیه‌السلام روایتی دارد که ناظر به مقررات رفت و آمد در زمان ظهور

می‌باشد:

قال: «اذا قام قائمنا علیه السلام قال: یا معشر الفرسان سیروا فی وسط الطريق یا

^۱. بحار، ۳۲۲/۵۲، ح ۵۷.

^۲. بحار، ۳۲۲/۵۲، ح ۶۱ و ص ۲۳۹، ح ۸۴.

معشر الرجال سیروا علی جانب الطريق فایما فارس اخذ علی جنبی الطريق فاصاب رجلاً عیب الزمناه الدیه و ایما رجل اخذ فی وسط الطريق فاصابه عیب فلا دیه له»^۱

«هنگامی که قائم ما قیام کند گوید ای گروه سواران از وسط راه بروید و ای گروه پیادگان از دو طرف راه حرکت کنید پس هر سواره‌ای که از کنار حرکت کند و پیاده‌ای را صدمه‌ای بزند او را ملزم به پرداخت دیه می‌کنیم و هر پیاده‌ای که در وسط راه برود و صدمه‌ای به او برسد، دیه‌ای برای او نخواهد بود».

۵-۷) اصلاح نفوس و تربیت افراد

بزرگ‌ترین ثمره‌ی ظهور حضرت صاحب‌الامر روحی فدا، رسیدن انسان‌ها به کمال عقلی و اخلاقی می‌باشد. چرا که هدف از خلقت پرورش انسان و رسیدن او به نقطه‌ی کمال است و این هدف در زمان ظهور محقق می‌گردد او مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می‌کند.

عن الباقر علیه السلام قال:

«یدعوا الناس الی کتاب الله و سنّة نبیه و الولاية لعلی بن ابی طالب و البراءة من عدوّه»^۲

یعنی: «او مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش و ولایت علی بن ابی‌طالب و برائت از دشمنانش دعوت می‌کند».

در آن روز سطح فکر و فرهنگ مردم بالا می‌رود:

عن ابی جعفر علیه السلام قال:

«إذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم

^۱ . معجم احادیث الامام المهدي، ج ۴، ص ۱۲۷، ح ۱۱۹۵.

^۲ الزام الناصب، ص ۱۷۷، به نقل از درسنامه، ص ۲۵۴.

(اخلاقهم)»^۱

امام باقر فرمودند:

«هر گاه قائم ما قیام کند دست هویش را بر سر بندگان قرار می‌دهد پس به واسطه‌ی این عنایت عقل‌های آنها زیاد شده و اخلاق آنها کامل می‌گردد».

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«...و ینذهب الزنا و شرب الخمر و ینذهب الربا و یقبل الناس علی العبادات و تؤدی الامانات و تهلك الاشرار و تبقى الاخيار»^۲

«در آن روز زنا و شرب خمر و ربا از بین می‌رود و مردم به عبادت روی می‌آورند و امانات ادا می‌شود در آن روز اشرار هلاک شده و اخیار باقی می‌مانند».

آری، او انسان‌ها را به جایی می‌رساند که هیچ‌کس در حق کسی ظلم روا نمی‌دارد.

ابوالحسن الرضا علیه السلام قال:

«...فلا یظلم احدٌ احداً...»^۳

و نهایتاً دنیا پاک می‌شود چرا که مهدی اهل دنیا را پاک کرده است.

عن الصادق علیه السلام قال: «و فی ایام دولته تطیب الدنیا و اهلها»^۴

امام صادق فرمودند: «در ایام دولت او دنیا و اهل دنیا پاک می‌شوند».

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «و هو الذی تطوی له الارض...»^۵ یعنی: (فدا به وسیله‌ی

او زمین را از ظلم و جور به طول کامل پاک می‌کند).

^۱ . بحار، ۳۲۸/۵۲، ح ۴۷ و نیز ص ۳۳۶، ح ۷۱.

^۲ . منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

^۳ . بحار، ۵۲، ص ۳۲۱.

^۴ . روزگار رهایی، ح ۲، ص ۶۵۰.

^۵ . بحار، ۳۲۱/۵۲.

۶-۷: عمران و آبادانی زمین

عن الصادق علیه السلام: «يفرق المهدي أصحابه في جميع البلدان... و يأمرهم بعمران المدن»^۱
آری به یمن قدم او زمین تمام ذخایر خویش را نثار او و اصحابش می‌سازد،
کشاورزی و صنعت رونق می‌یابد و اموال و نعمت‌ها برکات فراوانی می‌یابد.
«مهدی کسی است که زمین، فرمانبردار اوست».

امام علی علیه السلام فرمود:

«...يزرع الانسان مَدًّا يخرج له سبعمائة مُدًّا... و تحمل الاشجار و تتضاعف
البركات...».

«انسان یک مد می‌کارد و هفتصد مد برداشت می‌کند. درخت‌ها بار فراوان می‌گیرند و
برکات دو چندان می‌شود».^۲

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «...و تزيد المياه في دولته و تضعف الارض
اكلها و تستخرج الكنوز».

«آب‌ها در زمان مکهمت او زیاد می‌شود و زمین خوردنی‌هایش را زیاد می‌کند و
کنه‌هایش را خارج می‌سازد».^۳

^۱ . الامام المهدي، ص ۲۷۱.

^۲ . بحار، ۲۸۴/۵۲، ح ۱۹۴.

^۳ . عقد الدرر، ص ۲۰۰.

خاتمه:

هو هو الذی یُنزَلُ الغیث من بعد ما قنطوا و ینشر

رحمته و هو الولی الحمید^۱

«و دوست فدایی که باران را پس از آن که مردم ناامید

شدند فرود می‌آورد و رحمت هویش را می‌گسترده و هموست

سرپرست ستوده.»

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست

تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

آری صحبت از یک دوست است. از بهترین رفیق، از یک پدر مهربان و شفیق، از منادی عدالت و امنیت، از معمار زبردست بشریت، از یک حقیقت پنهان که آشکار کننده‌ی تمام حقایق هستی است. از تنها امید و یگانه نوید از یک انسان کامل از گلی بی‌خار و تنها سرو برافراشته‌ی این سبزه‌زار و بدیع‌ترین و زیباترین اثر آفریدگار.

صحبت از یک امام بی‌نهایت دوست‌داشتنی است، آن‌که انسان چاره‌ای جز دوست داشتن وی ندارد چرا که تمام خوبی‌ها را در خود جمع کرده و عصاره‌ی تمام فضایل است و از همه‌ی بدی‌ها و پلیدی‌ها منزّه و مبراستف صاف صاف مثل یک بلور شفاف.

او آن قدر خوب و دوست‌داشتنی است که نه تنها من بلکه تو و او و ما و هر مؤمن و مؤمنه‌ای او را خواستار و خواهان است کما قال الصادق علیه السلام:

«ما من مؤمن و لا مؤمنه الا و قلبه یحن الیه»^۲

^۱. شوری/۲۸.

^۲. بحار، ۳۷۶/۵۲، ح ۱۱۷.

و آن قدر در انقلاب عظیم و عمیق خویش موفق است که نه تنها انسان‌ها، بلکه همه‌ی اهل آسمان و زمین و ملک و فلک و مرغ و ماهی و وحش و اهل، همه و همه به فعل وی شاد و از او راضی و خشنود خواهند شد. كما قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم:

«یفرح به و یرضی عنه ساکن السماء و الارض و الطیر فی الهواء و الحیتان فی البحار»^۱.

آری، تنها اوست که می‌تواند گل لبخند را بر لبان آسمانی‌ها و زمینی‌ها بیافریند و بذر شادی و سرور را در دل‌های غمدیده‌ی ایشان بپاشد. عدالت او آن‌چنان وسیع است که مانند گرما و سرما بر تمامی خانه‌ها و خانواده‌ها داخل خواهد شد و سیره و رفتار او آن قدر دقیق و حساب شده است که ذره‌ای ناپاکی در دنیا و اهل آن باقی نخواهد گذاشت. كما قال الصادق علیه السلام:

«و فی ایام دولته تطیب الدنيا و اهلها...»^۲

«او آسمان و زمین را لبریز از عدل و عدالت خواهد نمود». كما قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و یرضی عنه ساکن السماء و الارض»^۳.

و آن روز است که زمین، جاری از زلال زندگی و صفا و صمیمیت آن خواهد شد و حیات به تمام معنای واقعی کلمه محقق خواهد شد و آسایش و امنیت سراسر گیتی را پرخواهد نمود و از شهرها و روستاها گذشته، کوه‌ها و بیابان‌ها را پر خواهد نمود. تنها در روزگار مهدی می‌توانی گرگ و میش را در کنار یکدیگر ببینی.

قال الصادق علیه السلام فی قوله تعالی: «سیروا فیها لیالی و ایاماً آمین (در زمین

^۱ . عقد الدرر، ص ۲۰۰.

^۲ . روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۰.

^۳ . عقد الدرر، ص ۲۰۷.

شبها و روزهایی با املیت سیر کنید! مع قائمنا اهل البیت».

صادق آل محمد فرمود: تحقق این آیه در زمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم

خواهد بود.

آری آن روز دیگر مظلوم و ستمدیده‌ای نخواهی یافت و نه صورتی که از

گرسنگی به زردی گراییده باشد و نه دلی که از شدت ظلم و جور اهریمنان زمان

مجروح و غمدیده باشد.

آن روز زخم‌ها التیام خواهد یافت و سینه‌ها گشاده خواهد شد.

پس به امید آن روز که چندان هم دور نیست و در انتظار آمدن معمار عدالت و طلوع

خورشید جهان‌افروز امامت دست‌های سبز خویش را به سوی ان‌آبی بی‌کران بالا برده

و از او، او را طلب کنیم که فرمود: «و اکثرُوا الدعاء بتعجیل الفرج فإنّ ذلک فرجکم» و

از او بخواهیم که ای بهترین حافظ و ای ارحم الراحمین:

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

آمین

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ شمسی.
۳. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴. الغیبة، ابوزینب نعمانی، نشر انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۵. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء بیروت، چاپ دوم ۱۴:۴ هـ.ق.
۶. الغیبة، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۷. الارشاد، الشیخ المفید، مؤسسه ال البيت، نشر دارالمفید
۸. صحیفة المهدی، قیومی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۹. دلائل الامامة، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، مؤسسه البعثة - قم، چاپ اول، ۱۳۱۴ هـ.ق.
۱۰. عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز المقدسی الشافعی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۱. معجم احادیث الامام المهدی، زیر نظر شیخعلی کورانی، نشر مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۳.
۱۲. چشم اندازی به حکومت جهانی حضرت مهدی، نجم الدین طینیسی، مؤسسه بوستان کتاب قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۱۳. سیری در سیره‌ی نبوی، مرتضی مطهری مجموعه‌ی آثار، ج ۱۶، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۱۴. دایرة المعارف تشیع
۱۵. درسنامه‌ی تاریخ عصر غیبت صغری، آقایان پورسید آقایی، جباری، عاشوری، حکیم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ هـ.ش.